

MLJ

مجله حقوق پزشکی

دوره پانزدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مقاله پژوهشی

مبانی فقهی حقوقی تکالیف دولت در وجوب پیشگیری و کنترل بیماری‌های مسری (مطالعه موردی کرونا)

سید مهدی جوکار^{۱*} 

۱. استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: موهبتی الهی و انکارنشدنی با عنوان صحت و سلامتی در خلقت و حیات بشر به ودیعه نهاده شده که ممکن است در بزنگاهایی به مخاطره افتد. مقصود نوشتار کنونی از مخاطرات، عوامل تهدیدکننده‌ای هستند که تحت عنوان بیماری‌های واگیردار در ایجاد خطر مؤثرند. پس از شیوع انواع بیماری‌های واگیردار از قبیل سل، وبا، طاعون و برخی بیماری‌های خطرناک از قبیل مالاریا، حصبه، ایدز، هپاتیت و ابولا در گذشته، امروزه تکثیر سریع ویروسی مرگبار بنام «کرونا» موضوع جدید و جدی جامعه پزشکی شده است. برای تأمین سلامتی مردم، مبانی متقن و مستدل فقهی - حقوقی برای ایجاد تکلیف بر ذمه دولت اسلامی در وجوب پیشگیری و کنترل شیوع بیماری کرونا قابل تصور است که هدف از نگارش این مقاله، با استناد به ادله و قواعد فقهی - حقوقی، و آرای فقیهان، بیان وظایف دولت در این زمینه است.

مواد و روش‌ها: قوام این نوشتار همچون سایر مطالعات فقهی و حقوقی، بر مبنای داده‌های مستخرج از نظام فقه و حقوق استوار گشته و روش تحقیق نیز توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر واکاوی دیدگاه‌های فقیهان امامیه و آرای حقوق دانان است.

یافته‌ها: دولت در نظام حقوقی و سیاسی اسلام، به تمام ارکان حاکمیتی اعم از تقنینی، اجرایی و نظارتی اطلاق می‌شود که در زمینه تأمین امنیت، رفاه و سلامت مردم، به موجب رابطه استناد، ادله فقهی و حقوقی متقن، وظیفه تأمین سلامت آحاد جامعه را دارا است.

ملاحظات اخلاقی: ضمن رعایت امانت‌داری در تحلیل، ملاحظات مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت در استناد به متون و ارجاع به منابع رعایت گردید.

نتیجه‌گیری: در فقه امامیه و قوانین ایران، عقلاً و شرعاً می‌توان براساس ضوابطی روشن تحت عنوان رابطه استناد، تکالیف و مسئولیت‌هایی مشخص و مستند به ادله اربعه و قواعد فقهی در وجوب پیشگیری و کنترل بیماری‌های مسری خصوصاً کرونا برای دولت اسلامی قائل شد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

واژگان کلیدی:

تکالیف

مسئولیت دولت

بیماری مسری

کرونا

* نویسنده مسؤول:

سید مهدی جوکار

آدرس پستی: ایران، یاسوج، دانشگاه
یاسوج، دانشکده علوم انسانی، گروه
الهیات.

کد پستی: ۷۴۹۳۴-۷۵۹۱۸

تلفن: ۷۴-۳۱۰۰۰

پست الکترونیک:

m.jokar@yu.ac.ir

۱. مقدمه

صحت و سلامتی، از جمله موهبت‌ها و امانت‌های الهی به بشر است و بر همین اساس، همواره توصیه شده تا انسان‌ها در کنار سایر نعمت‌ها و مواهب الهی، خردمندانه از آن محافظت نمایند. اما حقیقتی که نمی‌توان انکار نمود این است که نعمت سلامتی در برخی شرایط ممکن است بر اثر بروز یک سری امراض و بیماری‌ها به مخاطره افتد. بیماری‌ها نیز با توجه به ماهیت و شیوه تأثیرشان دارای انواع متنوعی هستند که در یک نحو از تقسیم‌بندی به دو نوع مسری (واگیردار) و غیرمسری (غیرواگیردار) قابل تصور هستند. بیماری‌های مسری یا فراگیر که محل بحث نوشتار کنونی است، در ادوار مختلف تا به امروز، همواره یکی از اساسی‌ترین مسائل تهدیدکننده سلامت انسان‌ها بوده‌اند. منظور از بیماری‌های مسری، آن دسته از بیماری‌هایی هستند که شیوع و انتقال آن‌ها از طریق تماس مستقیم یا غیرمستقیم با انسان، حیوانات، اشیا و... بوده و در سطح جامعه به سرعت انتشار می‌یابند. این شکل از بیماری‌ها در مقایسه با سایر امراض، گاه بسیار تهدیدکننده و کشنده هستند و گاه نیز اگرچه غیرکشنده هستند ولی برای انسان ایجاد مشکل و دردسر می‌کنند. برخی از این نوع امراض مسری مانند وبا و ابولا به وسیله یک سری ویروس‌های کشنده تولید می‌شوند که حتی ممکن است راه درمانی برایشان وجود نداشته باشد که همین مسئله موجب اختلالات عدیده در سطوح مختلف جامعه می‌شود. لکن از موارد جدید این نوع بیماری‌ها که اخیراً در جهان به‌ویژه ایران شیوع غیرقابل وصفی پیدا کرده و سلامتی جامعه جهانی را با چالش جدی مواجه نموده، شیوع ویروسی مرگبار بنام «کرونا» است. تکثیر و شیوع امراض مسری از هر نوع آن (کشنده یا غیرکشنده)، به‌طور حتم و یقین تهدیدی علیه تمامیت سلامت جسمانی و بهداشتی آحاد جامعه تلقی شده و در صورت عدم پیشگیری یا کنترل، ممکن است برحسب نوع ویروس و بیماری، صدمات جبران‌ناپذیری به مردم وارد آید. اگرچه به گفته جامعه پزشکی، ویروس انواع بیماری‌های مسری خصوصاً کرونا از طرق مختلف مانند ارتباط عادی روزمره، روابط جنسی زوجین، انتقال خون‌آلوده، آب‌وهوا و... منتقل می‌گردد، اما اقدامات

اساسی دولت و به‌ویژه وزارت بهداشت با توجه به خطرات این نوع بیماری‌ها برای جامعه بسیار حائز اهمیت است. در این میان، علاوه بر لزوم پیشگیری فردی، یک سری تکالیف و مسئولیت‌های مهم من‌جمله تدوین قوانین مناسب در راستای سلامت جامعه و حمایت از قربانیان بر ذمه دولت قابل تصور بوده و با توجه به اهمیت موضوع و ایضاً استقرار حاکمیت دینی، واکاوی مطلب از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه بسیار ضروری است.

بنابراین، مقاله پیشرو با درک درستی از اهمیت مسئله، با واکاوی در فقه امامیه و قوانین جاری ایران، و با مفروض دانستن تهدید به‌وسیله بیماری‌های واگیردار، در حد اندک به مسائل مرتبط با بیماری‌های مسری خواهد پرداخت و درنهایت به دنبال یافتن پاسخی روشن برای دو سؤال است؛ اولاً اینکه دولت اسلامی در این راستا برچه اساسی تکلیف بر عهده دارد؟ ثانیاً در صورت اثبات تکلیف برای دولت، چه وظایف و مسئولیت‌هایی به‌طور مصداقی بر ذمه دارد؟

۲. ملاحظات اخلاقی

ضمن رعایت امانت‌داری در تحلیل، ملاحظات مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت در استناد به متون و ارجاع به منابع رعایت گردید.

۳. مواد و روش‌ها

قوام این نوشتار همچون سایر مطالعات فقهی و حقوقی، بر مبنای داده‌های مستخرج از نظام فقه و حقوق استوار گشته و روش تحقیق نیز توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر واکاوی دیدگاه‌های فقیهان امامیه و آرای حقوق‌دانان است.

۴. یافته‌ها

دولت در نظام حقوقی و سیاسی اسلام، به تمام ارکان حاکمیتی اعم از تقنینی، اجرایی و نظارتی اطلاق می‌شود که در زمینه تأمین امنیت، رفاه و سلامت مردم، به موجب رابطه استناد، ادله فقهی و حقوقی متقن، وظیفه تأمین سلامت آحاد جامعه را دارا است.

۵. بحث

۵-۱. تبارشناسی مفاهیم

۵-۱-۱. مفهوم تکالیف

این واژه جمع مکسر «تکلیف» از ماده «کَلَفْتُ» به معنی سختی و مشقت گرفته شده است (۱). همچنین کاربری تکلیف در تشریع احکام یعنی امر به چیزی که در آن مشقت و سختی باشد (۲). ولی در فرهنگ معین علاوه بر معانی پیش گفته همچون به رنج افکندن، کار سخت بر عهده کسی گذاردن، به وظیفه‌ای که باید انجام داد نیز اشاره شده است (۳). آنچه در مانحن فیه منظور است، همین معنای اخیر یعنی مترادف بودن واژه تکالیف با مفهوم وظایف است و تکیه اصلی نوشتار در حوزه شناخت مفهومی، حول کلماتی چون رسالت، فریضه، مسئولیت، نقش، وظیفه، عمل، اقدام و... است. بنابراین هر جا در ادامه از تکلیف، مسئولیت، وظیفه و... نام برده شد، جملگی به یک معناست. مضافاً بر اینکه معنای کلمه «وظیفه» در لغت یعنی آنچه اجرای آن شرعاً یا عرفاً بر عهده کسی باشد که تقریباً مترادف با همان معنای لغوی «تکلیف» است (۴).

۵-۱-۲. مفهوم دولت

این واژه در ادبیات فارسی به معنای حکومت، فرمانروایی، سیطره و قدرت استعمال می‌شود (۴). برخی نوشته‌اند دولت یعنی گروهی بر مملکت حکومت کنند (۳). بنابراین، مهم‌ترین کلیدواژه مرادف با دولت، مفهوم حکومت است که در تعریف آن چنین آمده: «حکومت عبارت است از مجموعه نهادهای فرمانروا، وظایف و اختیارات هر کدام از آن‌ها و روابطی که میان اندام‌های حکومتی موجود است» (۵). البته این واژه در متون حقوقی به‌ویژه قانون اساسی به کرات و در معانی متنوعی بکار رفته است که برخی عقیده دارند در پاره‌ای از اصول، دولت بر هیئت‌وزیران اطلاق می‌شود (۶). همچنین در فرهنگ علوم سیاسی، «حکومت یعنی تشکیلات سیاسی و اداری کشور و چگونگی و روش اداره یک کشور» (۷). چنانچه طبق نظر اهل لغت، دولت و حکومت را مترادف بدانیم، برخی می‌نویسند؛ حکومت به معنای مجموعه ارگان‌هایی است که به واسطه آنان، حاکم اعمال اقتدار می‌کند. لذا علاوه بر قشر سیاسی قوه

مجریه مانند رییس کشور، هیئت‌وزیران، شامل مجلس و دستگاه‌های دیوانی، اداری و اجرایی می‌شود (۵). بنابراین مقصود از واژه دولت در نوشتار کنونی، جمع دستگاه‌های حاکمیتی اعم از تقنینی، قضایی و اجرایی است.

۵-۱-۳. مفهوم کرونا

واژه کرونا یا کووید ۱۹ (COVID-19) که این روزها اولویت اول جامعه پزشکی در جهان شده، هنوز به‌درستی شناخته نشده است. اما آنچه از تعبیر اهل فن در پزشکی مسلم است، و مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی (WHO) قرار گرفته، این مفهوم به یک نوع ویروس اطلاق می‌شود که اطلاعات اولیه حاکی از آن است که این بیماری تأثیراتی بر بخش‌های مختلف بدن از جمله دستگاه تنفسی دارد. نام کرونا ویروس برگرفته از ظاهر تاج خورشیدی ناشی از این اسپایک‌ها است. تاکنون چهار جنس از کرونا ویروس‌ها به نام‌های آلفا، بتا، گاما و دلتا شناسایی شده و کرونا ویروس مرس در جنس بتا کرونا ویروس از زیر خانواده کرونا ویروس قرار گرفته است (۸). این ویروس می‌تواند علائم آنفلوآنزا و علائم تنفسی ایجاد کند. ویروس کرونا انسانی (H.CO.V) ابتدا در دهه ۱۹۶۰ شناسایی شده است. این ویروس، ویروس‌های بزرگ RNA هستند که طیف وسیعی از حیوانات اهلی و دست‌آموز و همچنین خفاش‌ها را درگیر می‌کند (۹). این بیماری در ماه زمستان و همچنین نزدیک بهار رخ می‌دهد و فردی که به دلیل ویروس کرونا مبتل ا به سرماخوردگی می‌شود می‌تواند بارها در معرض آن قرار بگیرد به این دلیل آنتی‌بادی‌های کرونا متغیر است. با انجام مطالعات پزشکی و مروری بر اظهار نظرهای کارشناسان به نظر می‌رسد که کرونا ویروس زیرشاخه‌ای از خانواده بزرگ ویروس‌هاست و بیماری‌های مختلفی از سرماخوردگی معمولی تا سندرم حاد و شدید تنفسی یا همان سارس را ایجاد می‌کند (۱۰).

۵-۲. حقوق مردم و اعتنای دولت

زندگی انسان‌ها، به‌طور طبیعی در قالب زندگی اجتماعی است و تمام مراحل و آثار مفید و سازنده در زندگی بشری، از قبیل

این آیات و مشابه این فرمایشات الهی، تصریح به انجام تعهد نسبت به دیگران دارند. همچنین در روایتی از پیامبر (ص) نقل شده که؛ «من بازخواست می‌شوم و شما نیز بازخواست می‌شوید» (۱۲-۱۴) و خداوند از هر سرپرستی نسبت به آنچه سرپرستی‌اش را به او واگذار کرده بازخواست می‌کند (۱۵). بنابراین در اسلام عبادت و تقرب به خدا، در نماز، روزه، ادعیه و... خلاصه نمی‌شود، بلکه وفاداری به انجام مسؤولیت‌ها و تعهدات اجتماعی از جمله احسان و خدمت به بندگان خدا، رفع گرفتاری و حل مشکلات آنان نیز در صورتی که با قصد قربت انجام گیرد، از بهترین عبادت‌ها محسوب می‌شود و صدا البته این مهم برای دولت که موقعیت و امکانات فراوان تری نسبت به اقشار جامعه دارد بیشتر اهمیت دارد و مسؤولیت دولت را سنگین تر می‌کند.

۵-۲-۲. اسلام و رابطه ساختارمند میان دولت و مردم

برآیند محتوایی در اندیشه سیاسی اسلام برای ایجاد حکومت دینی که در آرای فقیهان امامیه گاهاً و محدود در سخنان متقدمین و بیشتر و گسترده در تفکرات فقهی معاصر یافت می‌شود، حاکی از ساختارمند بودن و بنیادین فکر کردن اسلام در حوزه سیاسی است و این مطلب به خوبی در فقه سیاسی تبلور یافته است. این توقع و ایده که مردم دولتی را انتخاب کنند تا سیاست‌های مورد انتظار آنان را اجرا کنند، مربوط به دولت مدرنی است که در دنیای امروز از بستری با عنوان دموکراسی پدید می‌آید. گرچه دموکراسی به معنای باستانی آن در یونان، انتخاب دوره‌ای حاکمان از شهروندان بود (۱۶) اما باگذشت زمان و توسعه یافتگی جوامع، دموکراسی معنای تازه‌ای به خود گرفت و در میادین سیاست یعنی مردم بتوانند حکومت‌گران خود را مسئولانه انتخاب کنند. با این نگاه و نیز اندیشه اسلام، دولت‌های منتخب از طریق رأی و نظر ملت باید مرتباً در ایجاد آرامش و نظم عمومی به عنوان یک حق مسلم تلاش وافر کنند و در عمل، به انجام یک سری وظایف حتمی بپردازند که جدا از نگاه دینی و مذهبی به عقیده برخی متفکران وظیفه اصلی حکومت‌ها رفاه مردم است (۱۷). دولت عالی‌ترین نمود قدرت و حاکمیتی است که برای اداره‌ی امور

تکامل‌ها، علوم و فنون و صنایع گوناگون، امنیت، سلامت و... همه از نتایج زندگی اجتماعی، همکاری و تعاون است و بدون تردید، ایجاد و تداوم این حیات اجتماعی در گرو تشکیل حکومت‌هاست و از این رو و در چنین شرایطی، به طور حتم، آن حکومتی می‌تواند داعیه دار برقراری نظم، امنیت و آرامش در جامعه باشد که به مصداق «ولقد کرّمنا بنی آدم» با نگرش الهی و اسلامی روی کار آید.

از طرفی، در حکومت عدل اسلامی، مردم به عنوان رکن اساسی جامعه، دارای حقوق مسلمی هستند که محترم دانستن این حقوق، بر ذمه مجریان حاکمیت است. در ادامه مطلب، برای شناخت بیشتر این حقوق، به رؤس مهمی از منظر نگارنده در این باب اشاره می‌شود.

۵-۲-۱. تصریح به ایفای تعهد و مسؤولیت‌پذیری در

مقابل دیگران

مسئولیت‌پذیری و انجام تعهدات که همواره به عنوان یکی از مباحث مهم در اسلام مطرح بوده می‌تواند از عوامل ایجاد وفاق، همدلی و حفظ نظام در جامعه شود، زیرا هر فردی چه دارای شخصیت حقیقی و چه دارای شخصیت حقوقی (دولت) اگر نسبت به تعهدی که در قبال دیگران دارد، حساس و مسئولیت‌پذیر باشد، این امر علاوه بر اینکه به رعایت حقوق می‌انجامد، موجب ترقی فرد و جامعه نیز خواهد شد. از طرفی با توجه به ارتباط نزدیک میان مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی برخی عقیده دارند که مسئولیت‌پذیری مقدمه وظیفه‌شناسی است (۱۱). همچنین اهتمام به انجام تعهدات و رسیدگی به امور دیگران همیشه در زمره مسائل مهم جوامع بشری بوده و این مسئله در آموزه‌های متنوع دینی به کرات بیان شده است. در همین رابطه، واژه «مسئول» و مشتقات آن بارها در متون دینی و سیره اولیای الهی مورد تأکید واقع شده است. به عنوان نمونه آیه «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسرا/۳۴) می‌فرماید؛ به عهد خود وفا کنید که درباره وفای به عهد سؤال خواهد شد. و یا آیه «لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» (انبیا/۲۳)؛ «[خداوند] در آنچه انجام می‌دهد بازخواست نمی‌شود و آنان [انسان‌ها] بازخواست می‌شوند».

به میزان توزیع قدرت میان دولت ملی و حکومت محلی مؤثر است (۱۹).

۵-۲-۳. تمایز در تکالیف دولت (تفکیک اعمال حاکمیت)

به یقین نمی‌توان تمام تکالیفی که بر ذمه دولت وجود دارد را از یک سنخ دانست بلکه باید میان نحوه اعمال حاکمیت در وظیفه‌مندی دولت تمایز قائل شویم. تفکیک میان اعمال تصدی و اعمال حاکمیت، نخستین بار به وسیله حقوق دانان فرانسه مطرح شد و در ابتدا طرفداران زیادی داشت (۲۰) به گونه‌ای که امروزه به صورت نظریه منسوخ و متروک درآمده است (۲۱). به هرحال آنچه مسلم است این است که دولت باید به فکر حفظ مصالح عامه باشد و در این راستا و به خصوص در ایجاد جامعه عاری از بیماری مسری و خطرناک، هر اقدامی که صورت دهد نحوه حاکمیت خود را به منصفه ظهور رسانده و درواقع تفاوت اعمال حاکمیت با اعمال تصدی‌گری از همین جا قابل تشخیص است. اقدامات دولت در پیشگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار، اغلب در راستای اعمال صلاحیت حاکمیتی است نه تصدی‌گری. زیرا فعالیت‌های تصدی‌گرایانه اموری حقوقی و عادی از قبیل تجارت و... شبیه به سایر مردم است ولی اعمال حاکمیتی، شامل اموری است که دولت دارای اقتدار مطلق است (۲۲) البته ضابطه دقیقی برای تمییز و تشخیص اعمال حاکمیت و اعمال تصدی وجود ندارد (۲۳) و در متن قوانین نیز محملی برای تشخیص نوع اعمال تکالیف دولت وجود ندارد (۲۴) بلکه دولت مقتدر است و هر جا تشخیص دهد که منافع عمومی درخطر است می‌تواند ورود کند و با اتخاذ تدابیر لازم مشکلات را حل نماید. بنابراین نحوه انجام امور در مواقع بحرانی به تشخیص قوه مجریه است (۲۴). البته می‌توان به این دیدگاه یک اشکال اساسی وارد نمود مبنی بر اینکه با عنایت به کثرت کارگزاران و تنوع مدیریتی، راه برای سلیقه‌ای عمل کردن امکان‌پذیر می‌شود که برای رهایی از این معضل احتمالی، تبیین سیاست‌های مدیریتی و نظارت بر حسن اجرای وظایف، می‌تواند راهگشا باشد.

به وجود می‌آید و در هر جامعه‌ای چه دینی و چه غیردینی مظهر توجه به مصالح عمومی است و اگر در مدار دین تشکیل شود، باید به وجوه اخلاقی، مذهبی متعهد گردد و تکالیف اساسی مورد نیاز جامعه همچون؛ حفظ نظم و امنیت، حراست از حقوق طبیعی، ایجاد و حفظ اتحاد و هم‌بستگی ملی، تأمین مناسب رفاه، بهداشت و آسایش ایده‌آل در حد توان و... را در برنامه‌های خود داشته باشد. با این وصف دولت از منظر فقه سیاسی پدیده‌ای است که باید شالوده‌ای واحد و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی داشته باشد تا بتواند به صورت کارآمد از عهده وظایف محوله برآید و در نتیجه رابطه حیاتی خود با مردم را حفظ نماید. ادبیات سیاسی اسلام در ایجاد یک رابطه ساختارمند میان دولت و ملت، به خوبی در سیره کلامی و رفتاری حاکمان دین به‌ویژه امام علی (ع) یافت می‌شود. حضرت در رابطه با حقوق متقابل امام و امت (دولت و مردم) می‌فرماید: ای مردم، همان‌گونه که من بر شما حقی دارم، شما نیز بر من حق دارید. حق شما آن است که همواره در رهنمودهای خالصانه نسبت به شما بکوشم و در تأمین رفاه در زندگی همگانی، تمامی وسایل ممکن را فراهم سازم. و در تربیت و تعلیم همگان در سطح گسترده کوتاه نیایم. و در نظارت بر رفتار و کردار شما پیوسته هوشیار و هشداردهنده باشم (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). ایشان همچنین در خصوص آثار ناخوشایند عدم ارتباط مسئولان با مردم می‌فرمایند: «هیچ‌گاه خود را زیاد از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه است. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس کار بزرگ اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند؛ زیبا زشت و زشت زیبا می‌نماید، و باطل به لباس حق درمی‌آید. زمامدار آنچه را که مردم از او پوشیده دارند، نمی‌داند، و حق نیز نشانه‌ای ندارد تا با آن راست از دروغ شناخته شود» (۱۸). بنابراین، توجه دولت به امورات مردم و حفظ اعتماد مردم، موجب بروز کارکردهای گرایشی می‌شود. این نوع کارکردها، مواردی هستند که در گرایش مردم نسبت به دولت تأثیر می‌گذارند؛ مثلاً اعتماد سیاسی بر گرایش مردم

۵-۳. قابلیت سنجی رابطه استناد و تکالیف دولت در

بیماری‌های مسری

در مباحث مرتبط با تحمیل تکالیف و اثبات مسئولیت، اعم از تکلیفی و وضعی برای دولت در مواجهه با بیماری‌های مسری، آنچه دارای اهمیت است و باید مورد توجه قرار گیرد، قابلیت سنجی و اثبات رابطه استناد میان افعال دولت و بیماری‌های مسری است. شناخت ماهیت استناد و عناصر مرتبط با این رابطه و چگونگی احراز و کاربست آن در موارد مختلف که در مباحث فقه و حقوق از آن به رابطه علیت و گاهی به عنوان رابطه سببیت یاد می‌شود، همواره باعث اختلاف نظرهایی میان صاحب نظران و همچنین در عرصه عمل گردیده است؛ لذا قبل از هر چیز باید بررسی گردد که ماهیت رابطه استناد چیست؟ نکته مهم دیگر که ضمن بحث بدان باید پردازیم، بررسی کاربرد این مطلب در احراز تکلیف برای دولت در پیشگیری و کنترل بیماری‌های مسری است.

۵-۳-۱. تنقیح مناط در رابطه استناد

برای داشتن درک صحیح از مفهوم رابطه استناد، ابتدا باید ماهیت آن مورد واکاوی و کنکاش قرار گیرد. رابطه استناد، رابطه‌ای است که مبین پیوند علی یا سببی بین دو پدیده مادی یعنی رفتار و نتیجه است (۲۵). مقصود از رابطه استناد در قانون مدنی و جزایی، انتساب عمل انجام شده به فاعل است و البته برخی حقوق دانان با تفکیک میان استناد در امور کیفری و مدنی تأکید نموده‌اند رابطه استناد، از جمله عناصر ارکان تحقق مسئولیت کیفری است و باید از بیان مباحث ضمان و پرداخت خسارت در حوزه مورد بحث به عنوان یک موضوع اصیل پرهیز کرد (۲۶). در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار در مواضع مختلف با فهم درست از اهمیت موضوع، با تصویب موادی به لزوم احراز و اثبات رابطه استناد تأکید دارد. همچنین برای تشخیص مسئولیت کیفری، ضرورت احراز رابطه استناد به عنوان بخشی از رکن مادی جنایت، بر الزام قانونی مبتنی است. بر همین اساس، مستفاد از ماده ۴۹۲ ق.م.ا، جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد. بنابراین، جنایت در

صورتی به جانی و جبران خسارت در صورتی به متلف ارتباط پیدا می‌کند که بتوان انتساب فعل و استناد عمل انجام شده به این اشخاص را اثبات نمود.

با تحقیق و تحلیل نظرات فقیهان نیز آنچه حاصل می‌شود این نکته است که در احراز علت و ایجاد بار مسئولیت برای افراد در مواضع مختلف اعم از مدنی (ضمان قهری) و کیفری، احراز و اثبات رابطه استناد در مفهوم عام و رابطه علیت یا سببیت در مفهوم خاص آن لازم است (۲۷-۲۹). بنابراین آنچه از مطالب گفته شده در بیان ماهیت رابطه استناد برداشت می‌شود این است که در دکترین حقوقی، رابطه استناد و مقولاتی چون انتساب، سببیت، علت و... در مباحث مختص به مسئولیت مدنی و کیفری می‌آیند و چگونگی مسئولیت افراد را تبیین می‌نماید. لکن نگارنده از طریق رابطه استناد و عناصر آن در متون فقهی - حقوقی، با تمسک به دو دلیل زیر که با نگاه تحلیلی ارائه شده، عقیده دارد که می‌توان در اثبات تکلیف برای دولت در مواجهه با بیماری‌های مسری نیز از رابطه استناد بهره جست.

دلیل اول: کاربست رابطه استناد، به منظور تعیین مسئولیت حقوقی است و مسئولیت نیز مطلقاً یعنی پاسخگو بودن و خود را وظیفه‌مند دانستن و از آنجا که به لحاظ ادبیاتی و معنایی، مفاهیم تکلیف، وظیفه و مسئولیت مرادف یکدیگر هستند، می‌توان در وظیفه‌مند دانستن دولت و پاسخگو دانستن آن در مسائل مختلف، از رابطه استناد بهره برد.

حق برخورداری از سلامت، یکی از حقوق اساسی، عمومی و بنیادین اشخاص در جامعه محسوب می‌شود که دولت اسلامی وظیفه دارد در راستای محترم دانستن و محافظت نمودن از این حق، اقدامات لازم را در جامعه به انجام رساند. از این رو هرگونه فعالیت پیشگیرانه و درمانی جهت تأمین سلامت افراد، از وظایف دولت به شمار می‌رود و البته توجه به این حق درخصوص اشخاصی که دچار بیماری مسری هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد. بنابراین، به کارگیری مفاهیمی چون انتساب و رابطه استناد جهت اثبات این حق عمومی، ایجاب می‌کند که دولت موظف باشد زمینه‌ها و سایر امور لازم برای درمان اشخاص را فراهم نماید. بنابراین کاربرد رابطه استناد به معنای

انتساب و استناد است که در آرای ایشان، قابل مشاهده است. (۳۰، ۳۱).

۴-۵. دولت مکلف در مواجهه با بیماری‌های مسری

هرگونه التزام و ایجاد تعهد منطقی برای قابلیت سنجی انتساب یک سری وظایف و تکالیف به ذمه دولت اسلامی در خصوص مبارزه با بیماری‌های واگیردار، باید مستند به دلایل متقن فقهی و حقوقی باشد. تحقق ماهیت وظیفه‌مندی و مسئولیت‌پذیری باید به مقتضای عقلی در چهارچوبی از ادله محصور باشد. از این‌رو به منظور شناخت بیشتر از نحوه مسئولیت و امکان سنجی تکالیف دولت، ریشه‌های آن را در فقه و حقوق در حد اقتضای این مبحث، بررسی می‌نماییم.

۴-۵-۱. فقه پژوهی

مهم‌ترین ادله کاربردی در فقه امامیه اعم از ادله نقلی و عقلی به انضمام قواعد فقهی که دلالت بر مسئولیت دولت دارد، را به ترتیب تبیین می‌نماییم و از آنجایی که عقل به عنوان حجت باطنی، یکی از منابع استنباط است، به عنوان نقطه مشترک فقه و حقوق، به نحو اختصار اشاره‌ای خواهیم داشت؛

۴-۵-۱-۱. آیات

الف: آیه ۹۹ سوره مبارکه یوسف (ع) است که می‌فرماید: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَاهُ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ أَمِينٌ».

تشریح آیه: مطابق آیه شریفه هنگامی که حضرت یعقوب (ع) و اهل بیت ایشان به نزدیکی مصر وارد شدند و با حضرت یوسف (ع) ملاقات نمودند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت و گفت همگی وارد مصر شوید که به خواست خداوند همگی در امن و امان خواهید بود. آن‌گونه که در تفسیر آیه گفته‌اند؛ حضرت یوسف ع با یادآوری امنیت مصر، اشاره کرد که مصر امروز، مصر فرعون‌ها و طغوت‌های خودکامه و جنایت‌کار نیست، بلکه با آمدن یوسف محیطی امن به وجود آمده است (۳۲). و در حقیقت، مصر در حکومت یوسف امن و امان شده بود (۳۳).

انتساب مسئولیت به دولت در مواجهه با بیماری‌های مسری بلاشکال است.

دلیل دوم: با توجه به اینکه اقدامات دولت در پیشگیری از امراض واگیردار و درمان بیماران جهت تأمین سلامت افراد جزء اعمال حاکمیتی و در راستای انجام وظایف، است، به موجب «ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶»، امور حاکمیتی آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود و از آنجا که بند (ک) ماده مذکور ارتقای بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها و آفت‌های واگیردار، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحران‌های عمومی را به عنوان یکی از مصادیق اعمال حاکمیتی قلمداد کرده، لزوم پاسخگو دانستن دولت و تحمیل مسئولیت بر ذمه آن و انتساب وظیفه پیشگیری و درمان، از طریق رابطه استناد منطقی است.

۴-۵-۲. کاربرد طریقی رابطه استناد و تکلیف دولت در

بیماری‌ها

طریقیت داشتن رابطه استناد به عنوان ابزاری در راستای اثبات تکلیف بر ذمه دولت در حفظ سلامت جامعه به‌ویژه در برابر بیماری‌های مسری کاربرد دارد. این بدین معنا است که مسئله انتساب و رابطه استناد در احراز و اثبات تکلیف برای دولت طریقیت دارد نه موضوعیت. بر این اساس دولت و جمیع کارگزاران به خاطر دارا بودن انتساب در برابر مشکلات و بحران‌ها مسئولیت دارند و این مسئولیت به هیچ‌وجه ساقط نمی‌شود. البته ضابطه در ایجاد مسئولیت برای دولت همچون تحمیل حکم وضعی ضمان در مواضع حقوقی از قبیل اتلاف و... منوط به احراز استناد و انتساب فعل به نتیجه عمل ارتكابی است. همان‌گونه که اکثر فقها نیز تصریح نموده‌اند دائرمدار ضمان، به عنوان مصادق اصلی حکم وضعی، صحت

بنابراین با مذاقه در قرآن این مطلب مهم به دست می‌آید که اساسی‌ترین وظیفه و مسئولیت دولت اسلامی برقراری امنیت، اعم از برقراری نظم و دفاع از جان و مال مردم و شهروندان است و رویارویی با امراضی همچون کرونا، از مصادیق اتم و اکمل برقراری و دفاع از امنیت است.

ب: آیه ۱ سوره مائده است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»

تشریح آیه: خداوند بیان می‌دارد ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادهای خود وفا کنید. به لحاظ ادبی، واژه «أوفوا» امر است و به عقیده علمای علم اصول، امر که جمع آن اوامر است، بر «طلب» دلالت دارد (۴۱، ۴۲) و بدون تردید دلالت بر وجوب دارد، یعنی بر همگان لازم است به عقود خویش پایبند باشند و از طرفی واژه عقود جمع محلی به الف و لام است، لذا مناسب است کلمه عقود در آیه را عام تلقی نموده و براساس منطق شمولیت لفظ عام، آن را حمل کنیم بر هر چیزی که عنوان عقد بر آن صحیح است. «با این بیان روشن می‌شود که معنای خاصی که بعضی از مفسرین برای عقد کرده‌اند صحیح نیست، یکی گفته: مراد از عقود، عقودی است که در بین مردم جریان دارد، مانند عقد بیع و نکاح و عهد، و یا عهدي که آدمی خودش با خود می‌بندد، مثلاً سوگند می‌خورد که فلان کار را نکند یا نکند، و دیگری گفته: مراد از عقود پیمان‌هایی است که اهل جاهلیت در بین خود می‌بستند، مبنی بر اینکه یکدیگر را در هنگامی که مورد حمله قرار گرفتند یاری دهند. این‌ها وجوهی است که در معنا و مراد به کلمه "عقود" ذکر کرده‌اند، و بر هیچ‌یک از آن‌ها دلیلی از ناحیه لفظ آیه نیست» (۴۳).

تقریب استدلال به آیه: به عقیده اکثریت و بلکه مشهور مفسرین، منظور از «عقود» در حقیقت «عهود» است (۴۳-۴۶). یعنی به موجب آیه شریفه، وفا به عقد و عهد واجب است. ظاهر این دستور عمومی است و چون عهد و عقد مشخصی ذکر نشده، می‌توان اطلاق‌گیری نمود و قائل شویم وفا به هر چیزی که در عرف، عقد و پیمان شمرده شود بر همگان واجب و لازم است. مؤید این مطلب آیه «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسرا/۳۴) است که می‌فرماید به عهد خود وفا کنید

تقریب استدلال به آیه: فهم از آیه و ملاحظه برخی تفاسیر، اشاره دارد که حضرت یوسف (ع) از میان تمام نعمت‌ها به مسئله امنیت اشاره کرد، زیرا امنیت بدون تردید، از مهم‌ترین وجوه حاکمیت است. هنگامی که ملتی با جهاد و ایثارطلبی، حاکمیت ظلم و طاغوت را در هم می‌پیچند و با وعده‌هایی از قبیل، امنیت، رفاه، عدالت و... توسط حاکمان دین (علما و صالحان) حکومت دینی را جایگزین می‌کنند، پس از استقرار چنین حکومتی باید وعده‌ها عملی گردند. البته مراد از امنیت در آیه شریفه اگرچه به عقیده برخی مفسرین برای این بود که در آن وقت مردم از ملوک جبار مصر خائف بودند و بی‌جواز نمی‌توانستند داخل مصر گردند (۳۴، ۳۵).

ولی به توضیح بسیاری دیگر از مفسرین، منظور از تصریح این جمله که در امنیت خواهید بود، مطلق امنیت است که این‌که برخی آن را ایمنی از آفات و بلیات (۳۶)، دوری از قحطی و مشقت (۳۷) و برخی دیگر به معنای امنیت جانی، مالی و... دانسته (۳۸) و برخی نیز امنیت را به دوری از هر نوع مکروهی تفسیر نموده‌اند (۳۹). استدلال نگارنده در تطبیق آیه با بحث در این است که لاجرم باید وظایف و مسئولیت‌های دولت دینی را در دو بخش اساسی دسته‌بندی کرد. وظایفی که به مسائلی همچون آرامش، امنیت روحی و اجتماعی و ملی بازمی‌گردد و مسئولیت‌هایی که به حوزه آسایش و رفاه اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند. اگر دایره مقوله‌ای مانند امنیت را به امنیت روحی، جسمی، مالی و... بسط دهیم، بر حاکمیت لازم است که آن را تأمین نماید و بدون شک مواجهه منطقی با بیماری همچون کرونا که جمیع معانی و مصادیق امنیت (جسمی، مالی و روحی) را به خطر می‌اندازد، در چارچوب وظایف دولت قابل تعریف است. از طرفی مردم وقتی به حاکمیت دینی اعتماد داشته باشند، و با تأسی از این آیه یقین کنند که اگر یوسف‌ها حاکم باشند، امنیت برقرار خواهد شد (۴۰) این اعتماد حکم می‌کند در مواقعی که تهدیدی مانند بیماری‌های مسری به‌ویژه کرونا سلامتی مردم را نشانه گرفته، با جدیت در رفع بیماری و بحران کوشش کنند زیرا تأمین صحت و سلامت، تحقق عینی امنیت است.

دولت جهت تأمین سلامت جامعه نشده است و لذا از باب اختصار و دوری از اطاله کلام، دو خبر کلی و عام که ناظر به مسئولیت همگانی است ارزیابی می‌شوند.

الف: حدیث مشهور نبوی است که می‌فرمایند: «مَنْ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (۱۲، ۴۷، ۴۸).

تشریح روایت: فارغ از سند روایت که صحیح و مشهور است و این خبر با سلسله‌ای از روایان من جمله مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ الْقَاسِمِ الْأَشْجَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع و مندرج در اسناد معتبر آمده، معنای با اهمیت و تحت‌اللفظی حدیث است که می‌فرماید؛ اگر کسی نسبت به امور مسلمانان توجه نداشته باشد، مسلمان نیست.

تطبیق روایت با موضوع: اولاً حدیث از جنبه‌های مختلف اطلاق دارد. مراد از «مَنْ» هرکسی می‌تواند باشد و لذا مفهوم دولت را نیز دربر دارد. البته مراد از دولت، مجریان و کارگزاران هستند. زیرا دولت به خودی خود یک شاکله و چهارچوب است و کارمندان و کارگزاران امور دولت را عهده دارند. در خصوص «اهتمام» نیز به وجه خاصی مقید نشده و لذا هر نوع توجه و اقدام در راستای حفظ جامعه می‌تواند مصداقی از اهتمام باشد و در بحث کنونی، پیشگیری از شیوع بیماری واگیردار من جمله کرونا و کنترل آن تا بهبودی بیماران، یقیناً مصداق کاملی از اهتمام است. از طرفی این اهتمام به زمان خاصی منوط نشده و در تمام زمان‌ها باید توجه به امورات مسلمین نمود، لذا کارکردهای دولت هم در مواقع عادی و هم در مواقع بحرانی اهتمام تلقی می‌شود. ثانیاً در انتهای کلام، کسانی که نسبت به مسائل مردم بی‌تفاوت باشند، از گردونه اسلام خارج دانسته شده است. این مطلب حاکی از آن است که اگر دولتی بر محور اسلام شکل گیرد، چنانچه نسبت به مشکلات جامعه اسلامی به‌ویژه در مواجهه با بیماری‌های مسری، اقدامات لازم را صورت ندهد، نمی‌تواند منادی مکتب حیات‌بخش اسلام باشد و لذا فهم از حدیث، ضرورت پرداختن به مقوله درمان و کنترل امراض واگیردار توسط دولت را دوچندان می‌کند.

که درباره وفای به عهد سؤال خواهد شد. در همین راستا چون یکی از مهمترین اهداف تشکیل حکومت‌ها، ایجاد رفاه همه-جانبه برای مردم است و اساساً عهدهایی که حاکمان و دولت‌ها با مردم به هنگام اخذ بیعت تعهد می‌کنند، تلاش در ایجاد رفاه و آسایش، حل بحران‌ها، تأمین سلامتی و حفظ نسل‌ها و... است، لذا کلیه اقدامات کادر درمانی اعم از پزشکان، پرستاران و سایر گروه‌های وزارت بهداشت که معمولاً به‌منظور مداوا و درمان بیماران صورت می‌گیرد نه تنها واجد مشروعیت می‌باشند، بلکه در اکثر موارد از جمله پیشگیری و کنترل امراضی مانند کرونا ضرورت داشته و بر طبق آیه مورد بحث، واجب شرعی محسوب می‌شوند.

بنابراین با مذاقه در آیه مورد بحث، از آنجایی که تأمین سلامت جامعه از عهده‌های مهم حاکمیت تلقی می‌شود، درمیابیم که حفظ صحت و سلامت عمومی و افزایش آن از وظایف حکومت است، و این مهم به‌خوبی از اطلاق آیه ذکر شده فهمیده می‌شود زیرا اگر سطح سلامت عمومی جامعه‌ای کاهش یابد نشانه فقدان رفاه، آسایش و امنیت است و این بدان معناست که دولت و حکومت از عهده وظایف نخستین و اولیه خود که با مردم عهد بسته بود برنیامده است؛ پس همان‌قدر که کوشش و جدیت در کنترل و درمان امراض مسری و جلوگیری از مرگ‌ومیر افراد موجب افزایش امنیت و آرامش و آسایش و درنهایت باعث افزایش رشد جمعیتی است، ناکارآمدی و عدم تلاش به‌موقع که بدعهدی محسوب می‌شود نیز باعث کاهش اعتماد عمومی خواهد شد و این بدان معنا خواهد بود که دولت از عهده مسئولیت و وظایف اصلی خود برنیامده است.

۵-۴-۱-۲. روایات

مطابق اندیشه اسلام، عرصه آفرینش، عرصه بیهوده‌کاری نیست و همه مخلوقات عالم با توجه به فلسفه و هدفی خاص طراحی شده‌اند و لذا مقوله سلامتی بسیار حائز اهمیت است و به همین جهت روایات متعدد و زیادی در باب بهداشت و سلامتی به‌طور کلی در حوزه فردی و اجتماعی وجود دارد و در منابع روایی متقن، تصریحی خصوصی برای وظیفه‌مندی

ب: خبر مشهوری است منقول از پیامبر (ص) که فرمودند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (۱۳، ۴۹، ۵۰).

تشریح حدیث: آن چنان که به نظر می‌رسد، در خصوص این روایت چند مطلب وجود دارد که ذکر می‌شود. مطلب اول: اختلاف در نقل روایت توسط محدثین است. دیلمی در ارشاد القلوب به خلاف بسیاری از محدثین، روایت را بدین صورت نقل نموده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَلَدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ إِلَّا فَكَلَّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (۵۰).

یعنی پیامبر (ص) فرمود: همه شما همانند چوپان هستید هم چنان که او مسئول حفاظت و نگاهداری گوسفند است شما هم مسئولیت سنگینی به عهده دارید نسبت به زیردستان، و مرد مسئول راهبری و راهنمایی و تربیت عیال و فرزندان خود هست، و زن مسئول نگاهداری فرزندان و اهل بیت شوهر خود هست، و خدمتکار و کلفت مسئول اموال مولا و آقای خود می‌باشند، آگاه باشید که هر کس مسئولیتی بر عهده او است و وظایف و تکالیفی نسبت به دیگران. مطلب دوم: مسئولیت‌ها در معنا و مصداق همواره مختلف است و عواملی در تنوع آن نقش دارد. به همین جهت باید به این نکته اشاره کنیم که واژه «راع» در حالت فاعلی دو معنا دارد. گاهی «راعی»، به شبان (گوسفندچران) گفته می‌شود که وظیفه او چوپانی است و چوپانی این است که در فکر آب و علف حیوانات باشد و لذا دغدغه او این است آنچه را که مایه حیات و نمو گله است را باید پیدا کند و اما گاهی «راعی» به معنای حافظ و نگه‌دارنده است، یعنی همه، حافظ دیگری هستند و البته کیفیت حفاظت مختلف است و اینکه هرکسی در موقعیتی که هست باید از چه چیزی و چگونه حفظ کند، بستگی به تشخیص و تدبیر راعی دارد.

مطلب سوم: مفاد حدیث، با توجه به واژه «کلکم» که از ادات عام محسوب می‌شود، عمومیت دارد و این شمولیت مسئولیت توصیه شده در متن حدیث، حکایت از تسری وظیفه‌مندی و احساس تکلیف در تمام ارکان جامعه دارد.

تطبیق روایت با موضوع: برای ایجاد ارتباط با بحث توجه به دو مقدمه ضروری است:

مقدمه اول: رعایت تمایز بین وظایف متعددی است که پیامبر (ص) داشته‌اند. به نظر امام خمینی ره، رسول اکرم (ص) دارای سه نوع مقام هستند و بنابراین در هر مورد باید فرمان‌ها و احکام ایشان با توجه به این مطلب سنجیده شود (۵۱). مقام اول رسالت است. در این مقام، ایشان (ص) دریافت و ابلاغ وحی را به عهده دارند و نظر شارع مقدس توسط ایشان بیان می‌گردد. مقام دوم تصدی امور سیاست یا به اصطلاح حکومت‌داری است که این مقام با مقام نخست متفاوت است؛ زیرا در مورد نخست، رسول خدا (ص) از خود ابتکاری نداشت و فقط احکام الهی را ابلاغ می‌کرد. پس اگر نهی و امری وجود داشت، متعلق به باری تعالی بود؛ ولی در مقام دوم، رسول خدا (ص) به عنوان رئیس امت، شخصاً و با صلاحیت خودش دستور صادر می‌کند و امر و نهی می‌فرماید. مقام سوم رسول اکرم (ص) منصب قضاوت است؛ یعنی ایشان علاوه بر وظایف نبوت و حکومتی، در مواجهه با خصومات و مراعات بین مردم نیز به قضاوت می‌نشست (۵۲).

مقدمه دوم: با قبول سه مقام پیشین، به موجب آیات «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر/۷)؛ آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید [و اجرا کنید]، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (احزاب/۳۶) یعنی هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای حق ندارد وقتی که خداوند و پیغمبرش در امری قضاوت کرده‌اند نسبت به اوامر و نواهی خدا و پیغمبر اعمال نظر کند. هرکس خدا و پیغمبر را معصیت کند، گمراهی بزرگ و واضحی مرتکب شده است. لازم است تمامی دستورات پیامبر (ص) در هر زمینه‌ای به اجرا درآید. البته آیه «وَمَا آتَاكُمُ ...» با صرف نظر از سیاقی که دارد، شامل تمامی اوامر و نواهی رسول خدا (ص) می‌شود، و تنها منحصر به دادن و ندادن سهمی از فیء نیست، بلکه شامل همه اوامری که می‌کند و نواهی که صادر می‌فرماید هست (۴۳). و اکنون درخصوص فرمایش ایشان مبنی بر «کلکم راع...»، که بیانگر

الْخَيْلِ تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛ (انفال/ ۶۰) بر همه واجب شرعی و عقلی می‌باشد. قوه عاقله می‌پذیرد که بسترسازی برای ایجاد امنیت جانی، اجتماعی و همچنین سلامتی در جامعه از مهم‌ترین مصالح مردم است و تأمین سلامت تأثیر بسزایی در رشد، آرامش و رفاه عمومی دارد. بر همین اساس باید هر جا که ضرورت ایجاد کرد در امور بهداشتی مصلحت عامه تضمین شود و سرمایه‌گذاری لازم صورت گیرد.

بدون تردید در هر جامعه‌ای، عموم مردم نیازهایی دارند که رهبران جامعه باید طرح‌ها و برنامه‌هایی بریزند و آن‌ها را به مرحله اجرا درآورند تا آن نیازها به بهترین وجه ممکن برآورده شود و هر تلاشی که برآورنده آن نیازها باشد و منافع آن برای جامعه بر زبان‌هایش بچربد، فعل دارای عقلانیت است. بدین‌سان تلاش در مهار امراضی مثل کرونا که جان تمام ملت را به مخاطره می‌اندازد و کوشش در پیشگیری از افزایش این قبیل بیماری‌های مسری با هدف حفظ سلامتی مردم، از مصادیق حقوق و منافع عمومی مردم و جامعه در نظر گرفته می‌شود و علاوه بر عقل مستقل، سیره عقلاء عالم نیز همواره موافق با چنین تلاش‌هایی بوده است و اکنون نیز در مواجهه با این بیماری مرگ‌آور، هر دارنده عقل سلیمی، دولت را در بهبود بخشی به امور ملزم می‌داند. بنابراین بر مجریان حوزه سلامت عقلاً لازم است جهت حفظ عموم و خود آن‌ها، از هیچ کوششی در کنترل این بیماری و سایر بیماری‌های مسری دریغ نورزند.

۵-۴-۲. واکاوی در حقوق

حق بر تأمین سلامت از جمله ابتدایی‌ترین حقوق بشری محسوب می‌گردد که در اسناد حقوق بشری، به‌عنوان اصلی مهم برای تضمین افزایش نسل، ایجاد رفاه اجتماعی و... تلقی می‌شود. این اصل در قوانین داخلی بسیاری از کشورها نیز وارد گردیده است، و جمهوری اسلامی ایران نیز در قانون اساسی و قوانین عادی به این اصل مهم توجه داشته است. بنابراین در این قسمت به مهم‌ترین اصول حقوق اساسی که دلالت بر مسؤولیت دولت دارد، را تبیین می‌نماییم. بنا به اصولی از قانون اساسی، تکالیف متعددی در جنبه‌های مختلف برای

وجود تکلیفی همگانی در برابر جامعه است، وظیفه‌مندی دولت در قبال بیماری‌های مسری نیز مشخص می‌شود. بدون تردید بخشی از معنا و مفهوم این روایت، اموری را که در ارتباط با سلامت فرد و جامعه است، دربرمی‌گیرد و همان‌گونه که می‌دانیم این دو از واجبات و لازم‌الاجرا هستند؛ لذا اداره امور بهداشتی، شناسایی عوامل بیماری‌زا و کنترل و آموزش آن‌ها به آحاد مردم، بخشی از تکالیفی است که دست‌کم گروهی از انسان‌ها تحت عنوان دولت دارند تا جلوی اتلاف جان‌ها را بگیرند. بنابراین اقدامات پزشکی و حرفه‌های وابسته به آن‌ها امروزه خدمات‌دهی بهداشتی را به جامعه عرضه می‌کنند، از نیازهای اولیه جامعه انسانی و از مصادیق «کلکم راع» است و باید اهمیت آن دانسته شود.

۵-۴-۱-۳. عقل

توجه به ضروریات جامعه به‌خصوص مهم دانستن مصالح عامه همچون تلاش در حفظ سلامتی و مبارزه با بیماری‌ها که از عقل سلیم نشأت دارد، همواره در سیره کلامی و عملی عقلاء (حاکمان دینی) نیز مشهود است و این مطلب حتی در احکام فقهی فردی نیز رعایت شده است. شیخ طوسی در کتاب مبسوط، بخش زکات، هنگام بحث از اراضی مفتوح العنوة، می‌نویسد: «أن التصرف فيه بحسب ما يراه من مصلحة المسلمين» (۵۳) در بخش جهاد نیز فرموده: «يجوز للإمام وخليفته إذا دخل دارالحرب أن يجعل الجعایل على ما فيه مصلحة المسلمين» (همان) یعنی؛ امام و جانشین او، هنگام ورود به دارالحرب، می‌توانند براساس مصلحت مسلمین، جعل قرارداد کنند. رعایت مصالح جامعه اسلامی و احکام شرعی که بر پایه مصالح و مفاسد نوعی بنا شده، مثل واجباتی که حفظ نظام زندگی مردم به آن‌ها بستگی دارد، مانند پزشکی، ریخته‌گری، خیاطی، بتابی و نانواپی که به «واجبات نظامیه» معروف هستند (۵۴) در همه زمینه‌ها خصوصاً تأمین سلامت عمومی و ایجاد جامعه عاری از هر نوع بیماری عقلاً بر همه مسلمانان به‌ویژه حاکمیت لازم است و ایجاد آمادگی در این زمینه، مطابق آیه وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطٍ

عام و منصفانه بسیج نماید. لذا دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های لازم را برای تأمین سلامت یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

۵-۵. وظیفه‌مندی مصداقی دولت در مواجهه با

بیماری‌های مسری

در فرآیند انطباق سنجی تکالیف دولت در مواجهه با بیماری‌های مسری با قوانین شریعت، می‌توان یک سری امور را به شکل مصداقی با حفظ اولویت ذکر نمود که در ادامه به سه مورد اساسی اشاره می‌شود.

۵-۵-۱. هشداردهی متناسب با اوضاع

بدون شک دولت برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری در کشور و مقابله با ویروسی مانند کرونا، اقدامات همه‌جانبه‌ای را باید در دستور کار قرار دهد تا با همکاری همه نهادها و با محوریت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، این بیماری به‌طور کامل کنترل و ریشه‌کن شود. یکی از اصولی‌ترین و شاید مهم‌ترین اقدام لازم در این زمینه، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به شکل هشدار است. زیرا پربارترین و شاید کم‌خرج‌ترین سرمایه‌گذاری در این خصوص، گسترش آموزش بهداشت و دانش بهداشتی مردم است و این میسر نمی‌گردد، مگر این‌که ضرورت آگاهی از اصول بهداشت، در کنار دیگر مسائل ضروری مطرح شود.

دادن هشدارهای اقناعی به مردم می‌تواند خطر را به‌خوبی گوشزد نماید. در فقه امامیه، قاعده‌ای فقهی و مورد تأیید عقل وجود دارد بنام تحذیر (۵۱) که در بسیاری از کتب مشهور فقهی از جمله المقنعه (۵۶) با تمسک به روایت «قَدْ أَعْذَرَ مَنْ حَذَّرَ» (۴۸، ۱۴) بیان شده و در ابواب مختلف به‌خصوص در ما نحن فیه، قابل استفاده است. فقیهان امامیه بر مبنای قاعده تحذیر عقیده دارند اگر کسی هنگام عملی مثل تیراندازی، به مخاطب هشدار دهد و او به هشدار بی‌توجهی نماید، هشداردهنده مسئولیت ندارد (۵۶، ۵۷). البته کاربست قاعده تحذیر اگر با شرایط مهمی که دارد به‌درستی اعمال شود،

دولت پیش‌بینی‌شده که بخشی از این اصول کاربردی، در حوزه سلامت است. به نظر می‌رسد بتوان به‌صورت زیر از این اصول در وظیفه‌مند دانستن دولت برای پیشگیری از بیماری‌های مسری استفاده برد.

الف: اصل تکلیف دولت به اقدامات موضوع تأمین سلامت

در پیشگیری از شیوع امراض واگیردار، این دولت است که مسئول ارائه حمایت‌ها است. بدین معنا که دولت به‌صورت تمام‌قد تکلیف کلی برقراری نظام جامع سلامت را بر عهده دارد. البته شاید در عمل، دولت به معنای وزارت بهداشت نتواند اقدام مطلوب به ارائه این حمایت‌ها کند که با توجه به تعریف مفهومی ارائه‌شده، مقصود از دولت در مواجهه با بیماری‌های واگیردار، تمام ارکان حاکمیت است. در همین راستا اصل ۲۹ قانون اساسی که منطبق بر فقه اسلامی نیز می‌باشد متضمن این معناست. مستفاد از این اصل قانونی، دولت ملزم و مکلف به ارائه این حمایت‌ها در برابر حق ملت است. البته «این اصل به اصل همبستگی نیز شهرت یافته است که وجه تسمیه آن، نمایندگی دولت از مردم است» (۵۵).

ب: اصل فراگیری عادلانه: منظور از این اصل آن است که حمایت‌های دولت در تأمین سلامت و مبارزه با بیماری‌های مسری به مفهوم عام، فراگیر و عادلانه بوده و شامل همه افراد ملت می‌شود. در همین راستا، بخشی از اصول سوم و بیست و نهم قانون اساسی، تبصره یک ماده یک و بند ج ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ و روح حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز بر این موضوع تأکید دارد. بدین معنا که ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و بهداشت از جمله وظایف دولت در ایران است و برخورداری از حق عمومی سلامت نمی‌تواند محدود به قشر خاصی گردد و همه انسان‌ها به‌صرف انسان بودن، حق برخورداری از مزایای تأمین بهداشت را دارند. بنابراین، به‌محض شیوع بیماری مسری از قبیل کرونا، دولت باید تمام امکانات خود را برای رفع این معضل به‌طور

اساسی، یکی از وظایف ۱۶ گانه دولت را پی‌ریزی هر نوع محرومیت‌زدایی من جمله بهداشت دانسته که جهت تحقق اهداف جمهوری اسلامی باید مورد اهتمام قرار گیرد. البته ذکر این نکته اهمیت دارد که بگوییم اقدامات تسهیلی نباید به مطالبه مردم متوقف باشد، زیرا مسئله مقابله با بیماری‌های مسری، حق فردی نیست تا دولت به انتظار مطالبه بنشیند، بلکه لازم است به محض احساس خطر، قبل از بحرانی شدن اوضاع، دولت به انجام امور پیش‌گفته همت گمارد.

۵-۳. مقابله با جرائم ارتكابی

به هنگام وقوع بیماری‌های مسری، ممکن است وضعیت روانی جامعه به علت‌هایی دچار التهاباتی شود و در این میان برخی سعی کنند با اهداف منفعت طلبانه به دنبال سودجویی باشند. ارتكاب اعمالی از قبیل احتکار ضروریات پزشکی، ترك مسئولیت پزشکی، بی‌توجهی عمدی و خطرآفرین به هشدارهای لازم، تولید و نشر مواد غیربهداشتی و... از جمله جرائم ارتكابی افراد فرصت طلب است که از دیگر وظایف حتمی و مهم دولت در مسیر پیشگیری و ریشه‌کنی بیماری‌های واگیردار، مقابله با چنین اعمالی است. عدالت تقنینی و قضایی حکم می‌کند که شناسایی سرچشمه‌های فساد، وضع قوانین مورد نیاز، تسریع در برخورد با متکثرین و سایر مجرمین، اختصاص شعب قضایی ویژه و اموری مانند اینها در کنار نظارت دقیق و مستمر می‌تواند ارتكاب اعمال خرابکارانه را کاهش و یا به صفر رساند.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به ارائه مطالب فوق، دولت اسلامی به تمام ارکان حاکمیتی اطلاق می‌شود که در زمینه تأمین امنیت، رفاه و سلامت مردم طبق عهده‌ای که با مردم بسته، در چارچوب شریعت و قانون اساسی وظایفی بر دمه دارد که به موجب رابطه استناد، ادله فقهی و حقوقی متقن، دولت اسلامی به طور کلی وظیفه تأمین سلامت آحاد جامعه را دارا است و در مواقع حساس، بویژه به محض شیوع بیماری‌های مسری، عقلاً و شرعاً دارای تکلیف مقابله و کنترل بوده و در این راستا به‌طور

هیچ‌گونه مسئولیتی از باب مدنی یا کیفری متوجه مسئولین امر نیست و منظور از شرایط این است که اولاً باید خطر جدی باشد و دولت با دادن هشدار، مخاطب را با عمق واقعه آشنا کند و ثانیاً دولت وظیفه دارد متناسب با اوضاع اطلاع‌رسانی نماید، به‌گونه‌ای که تمامی مردم از خطرات ویروس کرونا به‌عنوان مثال آگاه شوند. چنانکه از باب نمونه در قانون به کارگیری سلاح، شرط اصلی در قانونی بودن تیراندازی مأمور، ایست دادن و اخطار دادن با صدای رسا به خاطی عنوان شده (۵۸) و لذا در این زمینه، استفاده از ظرفیت رسانه‌های دیداری و شنیداری حائز اهمیت است. از طرفی حاصل عملی هشدار دادن این است که اگر مسلمانی بداند هر کاری که باعث آسایش مسلمانان و حفظ سلامت آنها باشد خدمتی در جهت رضای خدا است، از پاک‌سازی محیط و کمک به حفظ بهداشت عمومی به‌عنوان عمل خیر استقبال خواهد کرد. مثلاً در وقف و خدمات عمومی، به استناد روایت نبوی «إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ وَ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ وَ وَكْدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» (۱۳، ۵۰)، بسیاری از بناها و اعمال بهداشتی نظیر بهسازی محیط، ایجاد حمام، آب‌لوله‌کشی، مرکز بهداشت و آموزش بهداشت، از مصادیق روش و مسلم صدقه جاریه «و علم ینتفع به» خواهد بود. به همین دلیل مسلمانان انگیزه‌ای قوی برای توسعه بهداشت خواهند یافت.

۵-۲. تسهیل امور بهداشتی

از دیگر وظایف حتمی و مهم دولت در مسیر پیشگیری و ریشه‌کنی بیماری‌های واگیردار، اقداماتی باهدف تسهیل در امور بهداشتی است. در زمانی که ویروسی مانند کرونا شیوع پیدا کرده، بدون شک جسم و روح و مال مردم در خطر است و در این صورت، اتخاذ تصمیمات تسهیلی و آرامش‌دهنده از قبیل اختصاص مراکز درمانی مجهز، کم نمودن هزینه‌های پزشکی، ارتقاء سطح بیمه‌ای، دادن امکانات بهداشتی از قبیل مواد ضدعفونی‌کننده و... می‌تواند روند کنترل بیماری و درمان بیماران را بهبود بخشد. از محتوای پروتکل‌های بین‌المللی از جمله قوانین سازمان بهداشت جهانی و قانون اساسی ایران نیز می‌توان به این مورد استناد نمود. بند ۱۲ اصل سوم قانون

مصادافی دارای وظایف متعددی است. دولت به عنوان کفیل مردم و تضمین کننده حقوق و براساس توجه به مصالح عامه موظف است مطابق اصول قانون اساسی و مطابق صلاحیت حاکمیتی از اقتدار همه جانبه خویش مخصوصاً با ایجاد ستاد بحران بهره برده و با بسیج تمام امکانات، دادن هشدارهای مناسب به منظور آگاهی بخشی از نوع بیماری و چگونگی حفظ سلامتی تا عبور از شرایط بحرانی، مقابله با جرائم احتمالی و تسهیل شرایط بهداشتی برای عموم، از حقوق عمومی و مسلم مردم به هنگام شیوع بیماری های واگیردار همچون کرونا محافظت نماید.

۷. تقدیر و تشکر

با توجه به اینکه مقاله حاضر نتیجه تحقیقات نگارنده بوده و توسط نویسنده بطور مستقل ارائه گردیده، لذا وجهی برای تقدیر از دیگران وجود ندارد.

۸. سهم نویسندگان

از آنجا که کلیه مطالب این نوشتار محصول کنکاش و مذاقه نویسنده می باشد و نویسنده دیگری سهم نبوده است، لذا تمامی مسئولیت و امتیازات حاصله به نگارنده برمی گردد.

۹. تضاد منافع

پژوهش حاضر قبلاً در سایر مجلات علمی منتشر نشده و از حیث اصالت تحقیقی و مطالعاتی، وابسته به جایی نبوده و صرفاً محصول تفکر و مذاقه نویسنده می باشد و به لحاظ مالی نیز مرتبط یا متأثر از هیچ سازمان یا نهادی نیست.

References:

1. Fayumi A, Bitar P. Al-Misbah Al-Munir. Qom: Dar Al-Razi. [Arabic].
2. Ibn Manzoor J. Lisan al-Arab. Beirut: Dar al-Fikr; 2017. [Arabic].
3. Moein M. Moein Encyclopedia. Tehran: Adna - New Way Book; 1998. [Persian].
4. Dehkhoda AA. Encyclopedia. Tehran: University of Tehran; 1998. [Persian].
5. Ghazi S. Requirements of Constitutional Rights. Tehran: Mizan Publishing; 2016.
6. Aslani F, Nouraei M. Conceptual analysis of polysemous words in the constitution of the government Tehran: Public Law Studies; 2017. [Persian].
7. Aghabakhshi A, Afshari Rad M. The Culture of Political Science. Tehran: Chapar; 1995. [Persian].
8. Wikipedia. The Coronavirus 2020.
9. Vahdat K. A review article on the new coronavirus, the cause of acute respiratory syndrome in the Middle East. Bimonthly Journal of Southern Medicine. 2013;16(6):486. [Persian].
10. Soleimani Megoni S. Hospital Outbreak of Coronavirus Respiratory Syndrome Middle East. Quarterly Journal of Nurse and Physician in War. 2013(21):49-52. [Persian].
11. Rostamian M. Article on the study of responsibility and conscientiousness from the perspective of the Qur'an and hadiths. Journal of Wisdom of the Ahl al-Bayt. 2014;1(2):33. [Persian].
12. Kolini M, Al-Kafi. Corrected by Ghaffari and others. Tehran: Islamic Books House; 2010. [Arabic].
13. Majlisi M. Behar Al-Anwar. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi; 2007. [Arabic].
14. Faiz Kashani M. Al-Wafi,. Isfahan: Library of Imam Amir al-Mu'minin; 2009. [Arabic].
15. Payende A. Nahj al-Fasaha. Tehran: The World of Knowledge; 1984. [Arabic].
16. Enayat H. Foundation of Political Philosophy in the West. 3 ed. Tehran: Winter Publishing; 2002. [Persian].
17. Khomeini R. Sahifa Imam. Tehran: Imam Khomeini Publishing House; 2007. [Persian].
18. Seyyed Razi. Nahj al-Balaghah. Tehran: Scientific and cultural; 1988.
19. Radadi M. Theory of Political Trust, Introduction by Dr. Asghar Eftekhari. Tehran: Imam Sadegh University; 2011. [Persian].
20. Mirdadashi SM. Legal Jurisprudential Principles of Government Civil Liability. Islamic Law. 2013;10(37):126. [Persian].
21. Tabatabai M. Administrative Law. Tehran: Samat Publications; 2002. [Persian].
22. Ghamami M. Civil liability of the government for the actions of its employees. Tehran: Justice; 1997. [Persian].
23. Safaei Seyed H. Civil liability of Public Institutions and Review of the New Government Bill. Journal of Comparative Law. 2006;1(1):21. [Persian].
24. Katozian N. Coercive Guarantee Civil Law. Tehran: University of Tehran ;1990. [Persian].
25. Sadeghi MH, et al. the nature of the citation relationship and the criteria for achieving it. Studies in Islamic Jurisprudence and Law. 2019;11(21):171. [Persian].
26. Mohseni F, Malakouti N. Article on the Relationship of Causality in the Islamic Penal Code. Legal Journal of Justice. 2015;79(91):138. [Persian].
27. Najafi MH. Javaherolkalam. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi; 2007.
28. Maraghi SM. Abd al-Fattah Al-Anawawin Al-Fiqhiya. Qom: Islamic Publications; 2020.
29. Bojnourdi SM. Qavaedol feghhieh. Tehran :Orouj Institute; 2004.
30. Khoii SA. Takmelatolmenhaj. Qom: Imam Khoii Institute; 2021.
31. Sabzevari SAA. Madhhab al-Ahkam. Beirut: Al-Manar; 2017.
32. Rezaei Esfahani M. Quran Interpretation. Qom: Quran Interpretation and Sciences Research; 2008.
33. Makarem Shirazi N. Nemuneh Interpretation. Tehran: Dar kotob eslamiyeh; 1992. [Persian].
34. Samarkandi NM. Tafsir Al-Samarkandi Al-Masmi Bahr Al-Ulum. Beirut: Dar Al-Fikr; 2018.
35. Jafari Y. Tafsir Kawthar. Qom: Hijrat Publications; 1997. [Persian].
36. Saghafi Tehrani M. Ravan Javid in Tafsir Quran. Tehran: Borhan; 2019. [Persian].
37. Sabzwari M. Guidance of the Mind to the Interpretation of the Qur'an. Beirut: Dar al-Ta'arif for Press; 2021. [Arabic].

38. Al-Ghazi AQ. Statement of Meanings. Dameshq: Printing Press; 2003. [Arabic].
39. Sabuni MA. Safwa al-Tafsir. Beirut: Dar al-Fikr; 2021. [Persian].
40. Qaraati M. Tafsir Noor. Tehran: Cultural Center for Lessons from the Quran; 2009. [Persian].
41. Muzaffar MR. Osool Fiqh. Qom: Book Garden; 2008. [Persian].
42. Shahabi M. Advar Fiqh. Tehran: Ministry of Guidance; 2020[Persian]..
43. Tabatabai MH. Al-Mizan. Beirut: Scientific Foundation for Publications; 2011. [Arabic].
44. Thalbi AM. Al-Kashf wa Al-Bayyan. Beirut: Revival of Arab Heritage; 2021. [Arabic].
45. Tabresi FH. Majmaol Bayan. Tehran: Nasser Khosrow; 1993. [Arabic].
46. Faraa YZ. The Meanings of the Qur'an. Qahereh: The Egyptian Egyptian Public Library; 1980.
47. Ibn Shuba Harrani HA. Tohafol Oqoul, Ghaffari Correction. Qom: Teachers Association. [Arabic].
48. Hoor Ameli MH. Wasa'il al-Shia. Qom: Alol Bayt Foundation; 2010. [Arabic].
49. Hilali SQ. Kitab Salim bin Qais Al-Hilali. Qom: Al-Hadi; 2004. [Arabic].
50. Daylami HM. Guidance of Hearts to the Righteous. Qom: Sharif Al-Razi; 2016. [Arabic].
51. Mohaghegh Damad SM. Qavaed Fiqh. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center; 2005. [Persian].
52. Sobhani J. Theology. Qom: World Center for Islamic Studies; 2013. [Persian].
53. Tusi Abu Ja'far MH. Almabsout. Tehran: Mortazavi Library for the Revival of Al-Jaafari; 2008. [Arabic].
54. A group of authors. Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Religion of Ahl al-Bayt. Journal of Ahl al-Bayt. 2002;29:22. [Persian].
55. Khaleghparast H, et al. Legal Analysis of Social Security in Iran. Social Welfare Research Quarterly. 2017;17(64):21. [Persian].
56. Mufid MMN. Al-Muqna. Qom: Hazara Sheikh Mufid World Congress; 2014. [Arabic].
57. Helli JH. Sharia ol Eslam. Corrected by Abd al-Hussein Muhammad Ali Baqal. Qom: Iqm, Ismaili Foundation; 2007. [Arabic].
58. Razavi M. Crimes and Punishments of the Armed Forces. Tehran: Hastinama; 2006. [Persian].



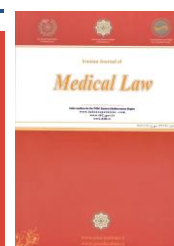
The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal

2021; 15(56): e13.

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Jurisprudential and legal fundamentals on governmental duties in the obligation to prevent and control contagious disease (COVID-19 case study)

Seyed Mahdi Jokar^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 15 March 2020

Accepted: 16 September 2020

Published online: 5 April 2021

Keywords:

Duty

State Responsibility

Contagious Disease

Coronavirus

* Corresponding Author:

Seyed Mahdi Jokar

Address: Department of Theology,
Faculty of Humanities, Yasouj
University, Yasouj, Iran.

Postal Code: 75918-74934

Telephone: 74-31000

Email: m.jokar@yu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: There is an undeniable divine gift in the name of health and well-being in creation and human life, which may be endangered at times. The purpose of the present article on hazards are the threatening factors that are known as infectious diseases. Following the outbreak of infectious diseases such as tuberculosis, cholera, plague and some deadly diseases such as malaria, typhoid, AIDS, hepatitis and Ebola, the rapid proliferation of a deadly virus called "corona" has become a new and serious topic in the medical community. In order to ensure the health of the people, solid and well-founded jurisprudential-legal principles to create a duty on the Islamic State in the obligation to prevent and control the spread of coronary heart disease can be imagined that the purpose of writing this article, citing jurisprudential-legal arguments and rules, and jurists Expressing the duties of the government in this regard.

Materials and Methods: The consistency of this article, like other jurisprudential and legal studies, is based on data extracted from the jurisprudence and law system, and the research method is descriptive-analytical and based on the analysis of the views of Imami jurists and the opinions of jurists.

Results: In the Islamic legal and political system, the government refers to all the pillars of government, including legislative, executive and supervisory, which in the field of ensuring the security, welfare and health of the people, according to the citation, solid jurisprudential and legal arguments, has the duty to ensure the health of society.

Conflict of interest: The present study has not been previously published in other scientific journals and is not dependent on any place in terms of research and study originality and is merely a product of the author's thinking and study and is not financially related or influenced by any organization or institution.

Ethical considerations: While observing fidelity in analysis, considerations related to research ethics as well as fidelity in quoting texts and citing sources were observed.

Conclusion: In Imami jurisprudence and Iranian law, rationally and religiously, based on clear criteria called the relationship of citation, specific duties and responsibilities based on the four arguments and rules of jurisprudence in the obligation to prevent and control infectious diseases, especially coronary, can be assigned to the Islamic State.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Jokar SM. Jurisprudential and legal fundamentals on governmental duties in the obligation to prevent and control contagious disease (COVID-19 case study). *Medical Law Journal* 2021; 15(56): e13.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).